

ارزیابی گفتمانی نگرش‌های احساسی نمایندگان مخالف و موافق مجلس در جلسه معرفی وزرای پیشنهادی کابینه سیزدهم ایران

اعظم استاجی^۱

فاطمه حمیدی^۲

شهلا شریفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

چکیده:

گفتمان سیاسی اعضای مجلس، تأثیر حیاتی بر اوضاع جامعه حاکم بر ایران دارد. بی‌گمان واکاوی روشمند واکنش‌های زبانی مخالفان و موافقان وزرای پیشنهادی دولت سیزدهم، به شناسایی جنبه‌های گفتمانی مبتنی بر ارزیابی نوع نگرش اعضای مجلس می‌انجامد. پژوهش حاضر، با تکیه بر نظریه ارزیابی (Martin & White, 2005) در پی بررسی نگرش‌های مختلف و چگونگی بروز احساسات در سخنان مخالفان و موافقان مجلس در جلسه معرفی کلیات کابینه دولت سیزدهم بوده است. بدین منظور، در این مطالعه متن سخنرانی ۸ نماینده موافق و ۸ نماینده مخالف کلیات کابینه در ۱۵۰ دقیقه با تکیه بر نظریه ارزیابی و به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا از سازوکار گفتمانی نظریه ارزیابی بهره گرفته شد و پس از دسته‌بندی مؤلفه‌های مرتبط با فرهنگ ایرانی، به یافتن آن‌ها در سخنان افراد هر دو جناح پرداخته شد. در ادامه، میزان مؤلفه‌های یافت‌شده در سخنان مخالفان و موافقان مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت تا نوع نگرش و روش‌های اقناع‌سازی در هر دو جناح به دست آید. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان داد تعداد مؤلفه‌های به کاررفته در سخنان جناح مخالفان عبارت بود از ۹۰ مؤلفه احساسات، ۵۰ مؤلفه قضاوت «+»، ۲۹۳ مؤلفه قضاوت «-» و ۴۲ مؤلفه قدردانی. همچنین، سخنان جناح موافق دارای ۷۶ مؤلفه احساسات، ۲۹۹ مؤلفه قضاوت «+»، ۸۵ قضاوت «-» و ۳۰۶ مؤلفه قدردانی بود. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت «-» در جناح مخالف بیشترین کاربرد و مؤلفه‌های دسته‌بندی قدردانی و قضاوت «+» در جناح موافق بیشترین کاربرد را

^۱ دانشیار، گروه آموزشی زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ estagi@um.ac.ir

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛

hasti.hamidi@alumni.um.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ sh-sharifi@um.ac.ir

داشته است. همچنین مؤلفه‌های احساسات کمترین تکرار و مؤلفه‌های قضاوت منفی بیشترین تکرار را در هر دو جناح داشته‌اند. یافته‌های پژوهش به بازنمایی جنبه‌های گفتمانی مرتبط با نگرش احساسی مخالف یا موافق نمایندگان مجلس منجر شد که ادعا می‌شد گفتمان منطقی آن‌ها بی‌طرفانه بوده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان، ژانر سیاسی، نگرش احساسی، دیدگاه مخالف و موافق نمایندگان

مجلس، نظریه ارزیابی گفتمانی

۱. مقدمه

در پژوهش حاضر یکی از نظریه‌های گفتمانی گسترش‌یافته توسط مارتین و وایت (Martin & White, 2005)، که مربوط به ارزیابی زبان است، به منظور بررسی نگرش احساسی نمایندگان مجلس و همچنین میزان به کارگیری هر دسته‌بندی در این نظریه، مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارتی، پژوهش پیش رو با در نظر گرفتن نظریه ارزیابی، درصدد آن است تا با بررسی زبان احساسی نمایندگان مجلس در مورد وزرای پیشنهادی کابینه سیزدهم، نگرش آن‌ها را نسبت به موضع مخالف یا موافقی که در نظر دارند مورد سنجش قرار دهد. از آنجا که انتخاب وزرای هر کشوری تأثیر حیاتی بر اوضاع جامعه حاکم بر آن کشور دارد، با بررسی نوع واکنش‌زبانی مخالفان و موافقان به وزرای پیشنهادی دولت سیزدهم، به تفاوت‌های نوع گفتار هر دو گروه بر اساس چارچوب نظری مورد نظر نیز پرداخته شده است. مسئله اصلی این مطالعه، بررسی این نکته است که برای انتخاب وزرای کابینه و موافقت و مخالفت با آن‌ها تا چه حد از بیان احساسی استفاده می‌شود و تفاوت دو گروه موافق و مخالف از نظر مؤلفه‌های نظریه ارزیابی که شامل احساسات، قضاوت و قدرداتی می‌باشند (Martin & White, 2005) در چیست. بدین منظور، با تکیه بر مفاهیم نظریه ارزیابی گفتمانی (Martin & White, 2005) به این مسئله پرداخته شده است که مخالفان و موافقان این جلسه چگونه به جانب‌داری از جناح خود پرداخته‌اند تا صلاحیت یا عدم صلاحیت کل کابینه را اثبات کنند. از آنجا که نمایندگان مجلس اعضای منتخب بیشتر کشورها هستند که به جای مردم تصمیمات مهمی را جهت قانون‌گذاری یا تأیید و عدم تأیید در مورد موضوع خاصی می‌گیرند، بررسی سخنان آنان در این پژوهش، به روشن ساختن شیوه بیان موافقت یا مخالفت آن‌ها در مورد کابینه دولت جدید کمک می‌کند. علی‌رغم اهمیت عملکرد و سخنان نمایندگان مجلس، تا به حال پژوهشی در این حوزه در ایران صورت نگرفته است. نظر به این امر که در این پژوهش به واکاوی بیان احساسی نمایندگان پرداخته شده است، دسته‌بندی نگرش و زیرگروه‌های اصلی‌اش در این نظریه که شامل احساسات، قضاوت و قدردانی هستند، مناسب‌ترین گزینه برای تحلیل پژوهش می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن به صورت توصیفی-تحلیلی بود. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه ارزیابی (Martin & White, 2005) و دسته‌بندی‌های معرفی‌شده در بخش نگرش می‌باشد که احساسات را در سه

سطح معرفی کرده است. بدین صورت که در سخنان نمایندگان موافق و مخالف جلسه‌ی معرفی کلیات کابینه، مؤلفه‌های پیشنهادی معرفی شده در هر دسته‌بندی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، متن سخنرانی جلسه ۱۲۰ام مجلس به تاریخ شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ که در نوبت صبح با حضور ۲۲۳ نفر به‌طور رسمی شروع شده بود، بررسی شده است. در ابتدای جلسه، سخنگوی مجلس دستور جلسه را قرائت نمود که یکی از دستورات مهم آن با عنوان «بحث و بررسی در خصوص خط‌مشی و اصول کلی برنامه دولت سیزدهم و صلاحیت وزرای پیشنهادی» بود که تمرکز اصلی پژوهش حاضر نیز در خصوص همین عنوان می‌باشد.

شیوه‌ی اجرا بدین صورت بود که ابتدا داده‌های پژوهش که متن سخنرانی (پی‌دی‌اف) این جلسه است از وب‌سایت رسمی مجلس استخراج و نسخه چاپی آن گرفته شد. سپس تمام جملات ۱۶ نفر (۸ مخالف و ۸ موافق) تفکیک و در دو بخش تحلیل سخنان مخالف و تحلیل سخنان موافق، به تفسیر و بررسی کاربرد سه مقوله احساسات، قضاوت و قدردانی پرداخته شد. به گفته مارتین و وایت (Martin & White, 2005, P. 52) در صورت عدم وجود واژه‌های معرفی شده در نظریه ارزیابی که در پیدا کردن مقولات در متن داده مورد نظر به ما کمک می‌کنند، به بافت جملات مراجعه می‌کنیم؛ در این پژوهش نیز در چنین شرایطی با کمک گرفتن از معنای ضمنی جملات، مقوله مورد نظر را در انتهای کلام هر نماینده ذکر می‌کنیم. در پایان، تعداد مضامین به‌دست‌آمده از مقولات این نظریه از هر دو گروه در جدولی نشان داده شد و در بخش نتیجه‌گیری به تفسیر نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل متن سخنان موافقان و مخالفان و نتایج جانبی که خارج از چارچوب پژوهش بوده پرداخته شد.

۲. پژوهش‌های پیشین

تحلیل گفتمان‌های سیاسی و تفسیر آن‌ها یکی از موضوعاتی است که در حوزه کاربردشناسی از جوانب مختلف بررسی می‌شود. نویسندگان و پژوهشگران این حوزه با در نظر گرفتن نظریه‌های متفاوت به کاوش و تفسیر متون یا نسخه صوتی سخنرانی‌ها پرداخته‌اند و تا به حال تحقیقات بی‌شماری در زمینه تحلیل گفتمان سیاسی صورت گرفته است تا علاوه بر زمینه‌سازی برای دیگر نگارندگان، نظریه‌های پیشین را نیز در راستای توسعه پژوهش‌های بیشتر گسترش دهد. در مقاله‌ای چن و هو (Chen & Hu, 2019)، به بررسی سیر تغییر و تحول سخنرانی‌های رؤسای جمهور آمریکایی در ۲۳۰ سال (۲۰۱۶-۱۷۸۹) از جنبه روان‌شناختی (صحت و درستی سخنان/ احساسات^۴/ سنجش میزان توجه به زمان گذشته، حال و آینده) پرداخته و در نظر داشتند دریابند که در گفتمان حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه، سه دسته‌بندی معرفی شده توسط مارتین و وایت (Martin & White, 2005) چگونه بروز پیدا کرده و تفاوت و شباهتشان چگونه بازتابی شده است. نتایج

⁴ Affect

پژوهش آنان سه نکته‌ی مهم را نشان داد: ۱. سطح صحت و درستی کلام در بین رئیس‌جمهورهای آمریکا به‌طور یکسان و پایداری بالا بوده ۲. در سخنرانی‌های رئیس‌جمهورها، بروز احساسات مثبت همیشه بر بروز احساسات منفی برتری داشته و هر دو نوع این احساسات در دراز مدت نسبتاً پایدار می‌مانند ۳. گفتمان‌هایی با تمرکز بر زمان حال، به‌طور مداوم بر گفتمان‌های متمرکز بر آینده برتری دارند؛ از طرفی گفتمان متمرکز بر آینده نیز بر گفتمان متمرکز بر گذشته برتری دارد.

یکی دیگر از پژوهش‌های حوزه بررسی احساسات در زبان سیاستمداران، مقاله پژوهشی پولیاکوا و همکاران (Polyakova et al., 2020) در خصوص تحلیل نقش واژگان احساسی قابل ارزیابی می‌باشد. این پژوهشگران چارچوب ارزیابی مارتین و وایت (Martin & White, 2005) را انتخاب کرده‌اند تا به هدف خود یعنی ارزیابی و تحلیل واژگان در داده‌های خود دست یابند. یافته‌های آنان نشان داد که واژگان احساسی به‌کاربرده شده توسط سیاستمداران، به‌منظور برانگیختن احساسات و واکنش مخاطبان و یا تأثیرگذاری بیشتر برای متقاعد کردن مخاطبان‌شان مورد استفاده قرار گرفته است و این افراد از تکنیک استدلالی که هدف آن جلب افکار مخاطب است، به‌منظور دستیابی به پاسخ یا واکنش مطلوب خودشان استفاده کرده‌اند. به اعتقاد این نویسندگان، استراتژی‌های تهاجمی برای ارزیابی منفی در توصیف مخالفانش افزایش یافته است. فدهیل (Fadhil, 2021) در مقاله زبان احساسی در گفتمان سیاسی یکی از سخنرانی‌های ترامپ در کمپین انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۱۶ را از دیدگاه احساسی تحلیل کرده است. این نویسنده با استفاده از چارچوب نظری ارزیابی مارتین و وایت (Martin & White, 2005)، دسته‌بندی اول آن‌ها (نگرش^۵) را انتخاب کرده و با در نظر گرفتن هر سه زیرمجموعه این گروه که شامل ارزیابی احساسات، قضاوت^۶ و قدردانی^۷ است، تمام جملات را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش چند یافته داشت که عبارت بود از: ۱- قضاوت بیشترین کاربرد را در سخنرانی دونالد ترامپ داشته و از آن بیشتر از دسته‌بندی احساسات و قدردانی استفاده شده است. این مسئله نشان می‌دهد که گوینده علاقه‌مند به ارزیابی خود به عنوان یک سیاستمدار و دیگر سیاستمداران وقت است؛ ۲- گوینده از مؤلفه اخلاقیات که در دسته‌بندی قضاوت قرار دارد بیشتر استفاده کرده است؛ این مسئله نشان می‌دهد که وی چقدر تمایل به نشان دادن صداقت خود داشته و از طرفی معتقد بوده که چقدر حزب کنونی از اخلاقیات و صداقت فاصله دارد ۳- نگرش‌های منفی او که با دسته‌بندی قضاوت ارائه شده، بیشتر از نگرش‌های مثبت در سخنان او استفاده شده است.

محمود (۲۰۱۷) صفات به کار برده شده در یک سری از سخنرانی‌های سیاسی و مذهبی سیاستمداران را تحلیل و بررسی کرده است. ابتدا اینکه چه نوع صفاتی توسط آن‌ها به کار برده شده و سپس به بررسی اسامی انتزاعی و یا اسامی ذات به کار رفته همراه با صفات گفته شده و در نهایت به درجه صفات از جنبه مقایسه‌ای (عالی-برتر) پرداخته است. پژوهشگر

⁵ Attitude

⁶ Judgement

⁷ Appreciation

ابتدا سخنرانی مذهبی جان اف کندی در سال ۱۹۶۲ و سپس سخنرانی مذهبی دکتر کارل هنری، یک مقام حکومتی در سال ۱۹۹۹ را تحلیل کرده است و در نهایت به این نتایج رسیده است که برخلاف دکتر هنری که با نگرشی منفی از صفات استفاده کرده است، کندی از صفات بیشتری با دیدگاهی مثبت استفاده کرده است زیرا در آن سخنرانی‌های مذهبی از دستاوردهای علمی دولت خود نیز سخن گفته است.

از دیگر پژوهش‌ها در حوزه اقناع‌سازی می‌توان به مقاله مکاگو و والتون (Macagno & Walton, 2019) در مورد کشف معنای احساسی در سخنرانی‌ها و پیام‌های دونالد ترامپ در مناظرات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ اشاره کرد. این پژوهشگران با مشخص کردن عباراتی که معمولاً به‌عنوان معنای احساسی یا واکنش شدید احساسی شناخته می‌شوند، داده‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. بدین صورت که در پژوهش آنان چگونگی ارتباط معنای عاطفی با احساسات و نحوه تولید یا دستکاری آن معنای عاطفی برای مخاطبان بررسی شده است که می‌تواند با استفاده از طرح‌واره‌های استدلالی نمایش داده و ارزیابی شود. مکاگو و والتون (Macagno & Walton, 2019) کلمات اخلاقی یا احساسی را ابزاری بسیار قوی برای اقناع‌سازی مخاطب در سخنرانی و قطعی کردن تصمیمات مختلف مهم دانسته و با تأکید بر نظریه استیونسون به این نتیجه رسیده‌اند که سخنگو احساسات را میانبری می‌بیند که از طریق آن از ارزیابی انتقادی دیگران جلوگیری کند.

پهلوان‌نژاد و اصطهباناتی (۱۳۸۷) کنش‌های گفتار سخنرانی روسای جمهور ایران و آمریکا (احمدی نژاد و بوش) در شهریور ۱۳۸۵ را که در سازمان ملل بوده است تحلیل کرده‌اند. نویسندگان نتایج بدست آمده را در دو بخش ارائه کرده‌اند: ۱. درک منظوره‌های پنهان ۲. شیوه بیان سخنرانی. شباهت‌ها در استفاده از کنش عاطفی و اظهاری تقریباً برابر می‌باشد و تفاوت آن‌ها در سه بخش است: ۱- استفاده از کنش تعهدی توسط رئیس جمهور آمریکا نسبت به رئیس جمهور ایران ۲- استفاده بیشتر رئیس جمهور ایران از کنش اعلامی ۳- استفاده بیشتر رئیس جمهور ایران از کنش ترغیبی نسبت به رئیس جمهور آمریکا. پژوهشگران با تحلیل هر یک از کنش‌های گفتاری در سخنرانی آن‌ها به درک مفاهیم مورد نظر آن‌ها پرداخته‌اند. هر دو رئیس جمهور منظور خود را با کنش غیربیانی به مخاطب رسانده‌اند؛ در واقع با استفاده از این کنش سعی داشته‌اند تا با اقناع‌سازی مخاطبان خود، افکار و نظرات خود را انتقال دهند. در پژوهش ما نیز در بیشتر مواقع که به مولفه‌های ذکر شده در چارچوب به‌طور مستقیم اشاره نشده، از طریق معنای ضمنی موجود در جمله دست‌بندی مولفه‌ها را شناسایی می‌کنیم. پو (۲۰۰۷) تفسیری کاربردشناسی از سخنرانی بوش که در سال ۲۰۰۲ در دانشگاه تسینگ هوا ارائه شده دارد. دو موضوع اصلی این سخنرانی مربوط به ساختار آمریکاکرایی و نقد غیرمستقیم شرایط اجتماعی چین است. نویسنده اعتقاد دارد بوش از دو ساختار موازی به دو شکل استفاده می‌کند. در موضوع اول بوش سعی دارد با ابزارهای اقناع‌سازی تصویری روشن و ایده آل از آمریکایی‌گرایی و ارزش‌های آمریکایی بدهد. به عقیده او بوش استراتژی سازنده‌ای را مد نظر دارد که

مربوط به ارزش‌های آمریکایی برابری و مفهوم آزادی است و یک استراتژی برای متقاعد کردن مخاطب را استفاده می‌کند. در نهایت به دو انتقاد عمده از نحوه برخورد دولت چین با مخالفان و نبود آزادی مذهب در چین اشاره می‌کند.

مظلوم و افشین (Mazlum & Afshin, 2016) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی زبان در سخنرانی‌های سیاسی، با به‌کارگیری ابزارهای تحلیل معرفی‌شده توسط مارتین و وایت (Martin & White, 2005) و با انتخاب سخنرانی‌های رؤسای جمهور وقت ایران و آمریکا (آقایان روحانی و اوباما) جنبه احساسات به‌کاربرده شده برای رسیدن به نگرش‌های مختلف در هر دو سیاستمدار را بررسی کرده‌اند. آنان در نهایت با بررسی احساسات و نگرش‌های گوناگون به موضوعات مختلف جهانی همچون مسائل اقتصادی، اجتماعی و مواضع سیاسی در جهان، نتیجه‌گیری جامعی ارائه داده‌اند. برخلاف اینکه معمولاً ایران و آمریکا به‌عنوان دولت‌هایی با دیدگاه‌های سیاسی مخالف شناخته می‌شوند، تحلیل سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا نشان می‌دهد که هر دو رئیس‌جمهور در به‌کارگیری زبان احساسی شبیه به هم عمل کرده‌اند. به عبارتی، با وجود اختلاف دیدگاه سیاسی، هر دو سیاستمدار تمایل به استفاده از استراتژی مشابه داشته و هر دو میل به برانگیختن احساسات مخاطبان در موضوعات مختلف تمایل نشان داده‌اند تا آن‌ها را به همراهی با خود دعوت کنند.

در پژوهشی ترناویک و پولدور (Trnavac & Pöldvere, 2024) به بررسی ارزیابی زبانی در اخبار انگلیسی غیر موثق بر اساس نظریه ارزیابی پرداخته‌اند تا به تفاوت نوع زبان به کار گرفته شده در آن‌ها با اخبار واقعی مورد تایید پی ببرند و هدف ثانویه آن‌ها بررسی تفاوت‌های بالقوه بین انواع اخبار جعلی بر اساس عوامل متنی است. داده‌ها از دو مجموعه حاوی اخبار جعلی و واقعی می‌باشند: یک مجموعه تک نویسنده و یک مجموعه دارای چند نویسنده. هر دو مجموعه حاوی اطلاعات نادرستی برای فریب دادن هستند، اما نویسندگان از نظر ژانر و اهداف انگیزشی با یکدیگر تفاوت دارند. ترناویک و پولدور از طریق تحلیل‌های کمی و کیفی نشان می‌دهند که دقیقاً چه نوعی از ارزیابی، نمونه‌هایی از اخبار جعلی هستند و به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده بیشتر از مولفه‌های ارزیابی ممکن است نشان‌دهنده «جعلی بودن» خبر باشد. تفاوت‌های قابل توجهی در کاربرد مولفه‌های ارزیابی در بین مجموعه‌ها وجود داشت که نشان می‌دهد افراد بسته به شرایطشان به روش‌های متفاوتی دروغ می‌گویند.

۳. چارچوب نظری

پژوهش حاضر با تکیه بر دیدگاه گفتمانی و با در نظر گرفتن جنبه‌های احساسی اقناع‌سازی موافقان و مخالفان وزرای دولت سیزدهم، به بازنمایی نگرش احساسی آن‌ها می‌پردازد.

بسیاری از جملات را با در نظر داشتن معنای کلمات نمی‌توان درک کرد، مگر اینکه خواننده یا شنونده بداند چه کسی صحبت می‌کند، در رابطه با چه موضوعی صحبت می‌کند، در چه زمان و مکانی سخنانش را بیان کرده است. در حقیقت

گفتمان‌ها برای کشف معانی پنهان شده در متن یا گفتار به کار می‌رود و افراد نسبت به متن یا گفتار واحد، به صورت متفاوتی می‌نگرند و برداشت یکسانی ندارند. معنا لزوماً در متن یا گفتار بازنمایی نمی‌شود؛ به همین دلیل است که با استفاده از معنای کل به حقیقت نهفته درون متن پی می‌بریم (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸). مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارتند از نشان دادن رابطه بین خواننده و متن، روشن ساختن ساختار عمیق و معنای درون متنی با در نظر داشتن تاثیر بافت بر روی گفتمان، تاکید بر متغیر بودن معنا بدین منظور که معنا در تمام بافت‌ها یکسان نمی‌باشد و در نهایت آشکار کردن رابطه بین متن و ایدئولوژی تا نشان دهد گوینده به موقعیت خاصی وابسته است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸). در این پژوهش نیز با در نظر گرفتن بافت جمله به مواضع و منظور نمایندگان نسبت به ارزیابی کابینه وزرای پیشنهادی پرداخته شده است.

بهره‌گیری از ابزار اقتناع‌سازی برای رسیدن به نتایج دلخواه نیز همواره بسیار مورد توجه پژوهشگران در حوزه گفتمان سیاسی بوده است. اقتناع در زبان گفتاری و نوشتاری بررسی می‌شود و هدف آن اطلاع‌رسانی، آموزش، ترغیب یا برانگیختن مخاطبان خاص در موقعیت‌های خاص است؛ منشاء آن به زمان یونانیان برمی‌گردد (لین، ۲۰۱۱). پژوهش‌های بسیاری همراه با بررسی زبان احساسی در این حوزه انجام شده‌اند که از روش اقتناع‌سازی مخاطب استفاده کرده‌اند که در بخش پیشینه پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شد.

اصطلاح ارزیابی^۹ مربوط به ارزیابی کارکردهای زبانی است؛ روشی که سخنوران نگرش احساسی خود را نسبت به یکدیگر و یا وقایع و رویدادها نشان می‌دهند. این نظریه در راستای گسترش نظریه دستور نقش‌گرای هالیدی در حوزه معنای بینافردی^۹ قرار دارد (Martin & White, 2005, p. 34). دستور نقش‌گرای نظاممند هالیدی به مطالعه زبان از طریق معنا یعنی بررسی کاربردی زبان می‌پردازد. به عقیده هالیدی زبان‌شناسی باید جملات را همراه با کاربردهای گسترده‌ای که ممکن است داشته باشند بررسی کند. در نظریه دستور نقش‌گرای نظاممند هالیدی، یک متن در سه سطح و در بافت تجزیه و تحلیل می‌شود: معناشناسی-گفتمان^{۱۰}، دستور-واژگان^{۱۱}، واج‌شناسی^{۱۲}. بررسی بافت بسیار مهم است زیرا در شناسایی و شناخت معنا نقش به‌سزایی دارد. معناشناسی گفتمانی دارای سه فرانش^{۱۳} است که عبارتند از: اندیشگانی^{۱۴}، بینافردی و متنی^{۱۵}. ما در این پژوهش با توجه به گفته مارتین و وایت (۲۰۰۵، صص. ۳۳-۳۴) که نظریه آن‌ها را انتخاب کرده‌ایم، بر دسته‌بندی معناشناسی-گفتمان و فرانش بینافردی تمرکز می‌کنیم. فرانش بینافردی به رابطه بین گوینده و شنونده مرتبط می‌شود. این

^۹ نظریه ارزیابی اولین بار در دهه ۹۰ میلادی توسط مارتین و همکارانش مطرح شد

^۹ Interpersonal meaning

^{۱۰} Discourse-Semantics

^{۱۱} Grammar-Lexis

^{۱۲} Phonology

^{۱۳} Metafunction

^{۱۴} Ideational

^{۱۵} Textual

فرانکش، مؤلفه‌ای را نشان می‌دهد که از طریق آن، گوینده خود را در بافت موقعیت مدنظر قرار می‌دهد تا هم نگرش‌ها و قضاوت‌های خود را بیان کند و هم به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهای دیگران باشد. این پژوهش درصدد آن است تا علاوه بر بررسی چگونگی بروز نگرش احساسی نمایندگان مخالف و موافق مجلس در جلسه معرفی وزرای پیشنهادی کابینه سیزدهم ایران، بر اساس این نظریه به تفاوت‌های نگرشی هر دو گروه نیز بپردازد.

مارتین و وایت در سال ۲۰۰۵ اجزاء این نظریه در دسته‌بندی نگرش را به سه دسته اصلی تقسیم کردند: احساسات، قضاوت و قدردانی (Martin & White, 2005, p. 40). نظریه ارزیابی، محقق را برای دستیابی به دیدگاه و نوع نگرش در هر زمینه‌ای یاری می‌کند. تامپسون و هانسون (Thompson & Hunston, 2000, p.6) ارزیابی را برای مطالعه زبانی بسیار مهم دانسته‌اند و سه کارکرد اصلی آن را بدین صورت برشمرده‌اند: ابتدا اینکه ارزیابی، نظر سخنگو و یا نویسنده را آشکار می‌کند؛ سپس پلی است بین سخنگو و شنونده یا نویسنده و خواننده تا رابطه بین هر دو را بسازد و به آن استحکام ببخشد؛ و درنهایت برای منظم سازی گفتمان اهمیت دارد. مارتین و وایت (Martin & White, 2005) ارزیابی زبان را نوعی ساخت معنای ارزشی مثل فعال‌سازی دیدگاه‌های مثبت و منفی به حساب آورده و نظریه ارزیابی را به‌عنوان یک نظام بینافردی در سطح معناشناسی-گفتمانی قرار داده و گسترش داده‌اند.

در این راستا، تشخیص درست نوع کنش گفتار بستگی به قصد و نیت گوینده در کلامش دارد و حتماً باید توجه داشت که این تشخیص درست، با در نظر گرفتن بافت جمله مشخص خواهد شد. به عقیده سرل (Searle, 1969)، کنش‌های مختلف گفتاری، با استفاده از کلمات به کارگرفته‌شده در جملات افراد قابل تشخیص است. کنش‌ها می‌توانند از یک جمله که به نظر مفهومی ثابت دارد، مفهوم متفاوت و یا متغیری ارائه دهند؛ به‌طوری که به عمق جمله نفوذ کنند و به صحت و درستی یا عدم صداقت جمله گوینده، با بهره‌گیری از علائم پی ببرند (Green, 2016). این پژوهش نیز به دنبال مفهوم جملات در بافت با استفاده از دسته‌بندی نظریه ارزیابی (Martin & White, 2005) بوده است.

در ادامه، به مؤلفه‌های دقیق‌تری که مارتین و وایت (Martin & White, 2005) معرفی کرده‌اند پرداخته شده است. نکته مهم این است که این دسته‌بندی محدود به نظریه نمی‌شود و با در نظر گرفتن فرهنگ و نوع بیان متفاوت در بافت خاص متن می‌تواند برای تحلیل و تفسیر مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، در برخی از جملات، کلمات و قسمت‌هایی وجود دارند که مشخصاً به درک نگارنده در تشخیص دقیق سه گروه احساسات، قدردانی و قضاوت کمک می‌کنند؛ اما در برخی از جملات کلمات تعیین‌کننده حاضر نیستند و با در نظر گرفتن محتوای جمله، در دسته‌بندی مربوطه قرار می‌گیرند. طبق گفته مارتین و وایت (Martin & White, 2005) ارزیابی به شیوه‌ای مفهومی در نظر گرفته شده است که با کدگذاری دستوری و واژگانی، معنای مفهومی، جاسازی‌شده یا استعاری درون بافت جمله ادراک شود؛ به عبارتی دیگر تحلیل بر اساس این نظریه می‌تواند فراتر از دستور و واژگان برود (Martin & White, 2005, p. 52).

در ادامه، مؤلفه‌هایی که مارتین و وایت برای هر سه دسته‌بندی معرفی کرده‌اند ارائه شده است؛ لازم به ذکر است فهرستی که برای اصطلاحات ارائه شده، فقط به‌عنوان یک راهنمای کلی می‌باشد و زمانی که زبان را در بافت دیگری تحلیل شود، معمولاً این بخش واژگانی است که معنای نگرش را با توجه به بافت تعیین می‌کند. در نتیجه لیست واژگان ارائه شده نباید لزوماً به‌عنوان منبع واژگانی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند؛ زیرا مبنای قرار دادن لیست معرفی شده ممکن است معنایی به کل متفاوت ارائه دهد و یافته‌های تحلیل را تحت تأثیر قرار دهند (Martin & White, 2005, p. 52).

۳-۱. احساسات

بروز عواطف و احساسات مستقیم را شامل می‌شود. تمام انسان‌ها احساسات مثبت و منفی که توسط فرهنگ معرفی شده‌اند را نسبت به وقایع، موضوعات و موقعیت‌های مختلف به شکل متفاوتی بروز می‌دهند؛ مثل غم، شادی، نگرانی، انزجار، غافلگیر شدن، خشم و علاقه. از انواع احساسات می‌توان به احساسات فرازبانی ادامه‌دار اشاره نمود که با رفتار یا عملی مانند گریه کردن، احساس ناراحتی یا نارضایتی نشان داده می‌شوند و در چهره و رفتار به‌صورت پیوسته و ادامه‌دار نمایان می‌شوند. همچنین، احساساتی که شدت و درجه (کم، متوسط، بالا) علاقه نسبت به چیزی را نشان می‌دهند؛ مانند دوست داشتن چیزی، عاشق چیزی بودن و پرستیدن چیزی. در نهایت، احساساتی که بیانگر غیرواقعی‌گرایی هستند و به عبارتی، در رابطه با آینده بیان می‌شوند؛ اظهاراتی مثل خواستن و خواستار چیزی که مورد انتظار بوده اما اتفاق نیفتاده است.

در نظریه‌ی ارزیابی، احساسات در مرکز دسته‌بندی قرار دارد و نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کند؛ به‌طوری که هم در دسته‌بندی قضاوت و هم در دسته‌بندی قدردانی یافت می‌شود. مارتین و وایت احساسات را در قالب پیشنهاداتی می‌دانند که به‌صورت مختلفی در دسته‌بندی قضاوت و قدردانی بیان می‌شوند (Martin & White, 2005, p. 47-49). دسته‌بندی احساسات با افعال، قیده‌ها، صفات، اسم‌سازی^{۱۶} احساسی شناخته می‌شوند؛ در کل هر حس عاطفی که در مخاطب ایجاد می‌شود به این دسته‌بندی تعلق دارد (Martin & White, 2005, p. 52). این موارد به شرح ذیل می‌باشد (Martin & White, 2005, p. 48-51):

- احساسات غیرواقعی‌گرا^{۱۷}: ترسیدن زیاد/ بیان میل^{۱۸} و خواسته‌ای که مورد انتظار بوده اما اتفاق نیفتاده است/ مشتاق^{۱۹} / اشتیاق داشتن و غیره.

The captain feared leaving. / The captain had a strong desire.

-ناراحتی: غمگین / حس بدبختی / بی‌علاقگی / تنفر داشتن / تأسف‌انگیز / تأسف‌بار / اندوهگین و غیره.

¹⁶ Nominalization

¹⁷ Irrealis

¹⁸ Disinclination

¹⁹ Inclination

The captain felt sad.

-خوشحالی: خوشحالی زیاد یا کم / بیان عواطف مثل علاقه، ارادت، عشق، پرستیدن و غیره.

The captain felt happy.

-عدم اطمینان^{۲۰}: نگرانی / اضطراب / دلواپسی و غیره.

The captain felt anxious.

-اطمینان^{۲۱}: تضمین / خاطر جمعی / مطمئن بودن / اعتقاد داشتن / ایمان داشتن / اعتماد داشتن و غیره.

The captain felt confident.

-نارضایتی^{۲۲}: بیزاری / خستگی که معمولاً با عملی دیده می‌شوند مثل خمیازه کشیدن و بی‌قراری کردن / انتقاد با حالت خشم / ناخشنودی / نارضایتی و غیره

The captain felt fed up.

-رضایت^{۲۳}: خرسندی / علاقه / تمایل / خوشی / لذت / و غیره.

The captain was pleased.

۲-۳. قضاوت

قضاوت مربوط به نگرش‌ها نسبت به رفتاری است که آن را تحسین، انتقاد و یا محکوم می‌کنند. این دسته‌بندی ارجاعی است که گفتمان انتقادی آن را پوشش می‌دهد؛ زیرا موافقان و مخالفان کابینه جدید در مواردی به نقد عملکرد یا برنامه‌های کابینه جدید پرداخته‌اند. قضاوت احساسات درونی و نهادینه شده است که در قالب پیشنهادات مربوط به رفتار یا عملکرد فرد در مورد اینکه چطور باید یا نباید در قوانین و اخلاقیات رفتار نمود، می‌باشد. این سازه گسترده‌ترین زیربخش را در این نظریه دارد که هر زیربخش در دو مؤلفه مثبت و منفی برای ارزیابی عملکرد افراد به کاربرده می‌شود. قضاوت در مورد اینکه چقدر چیزی یا کسی خاص یا عادی است، چقدر توانایی و قابلیت دارد، چقدر مسر و مصمم است، چقدر صادق است و در نهایت چقدر اخلاقیات را رعایت می‌کند.

مؤلفه‌های مثبت و منفی هر زیربخش معرفی شده توسط مارتین و وایت در ادامه ارائه شده است (Martin & White, 2005, p. 52-53). دسته‌بندی قضاوت در مورد نگرش به رفتار افراد بر اساس اخلاقیات و قوانین بوده که در دو مؤلفه مثبت و منفی معرفی شده است. مؤلفه مثبت با اخلاقیات و قوانینی مرتبط است که از نظر سخنگو رعایت شده‌اند و مؤلفه منفی با

²⁰ Insecurity

²¹ Security

²² Dissatisfaction

²³ Satisfaction

اخلاقیات و قوانینی ارتباط دارد که از نظر سخنگو رعایت نشده‌اند و نقد می‌شوند (Martin & White, 2005, p. 52-54).
(68). این موارد به شرح ذیل می‌باشد (Martin & White, 2005, p. 53-55):

-خاص و عادی بودن²⁴ «+»: خوش‌شانسی / عادی / طبیعی / آشنا / پایدار / پیشگام / نامدار / مشهور و غیره.

It's fortunate, average, stable, etc.

-خاص و عادی بودن «-»: بدشانسی / عجیب و غریب / غیرطبیعی / غیر آشنا / فاقد پایداری / پس رفت / گمنام و غیره.

It's unlucky, peculiar, unpredictable etc.

-توانایی و قابلیت²⁵ «+»: قوی / سالم / بالغ / باتجربه / نابغه / باهوش / عاقل / متخصص / باسواد / تحصیل کرده / شایسته / تربیت شده / موفق / فعال / سودمند و غیره.

He's strong/ clever/ capable, enough to go.

-توانایی و قابلیت «-»: ضعیف / ناتوان / نابالغ / بی تجربه / کند / ساده لوح / غیر عقلانی / نامتناسب / بی سواد / بی کفایت / ناموفق / غیر فعال / غیر سودمند و غیره.

He's immature/ inexpert/ unsuccessful, etc.

-سرسختی²⁶ «+»: شجاعانه / دلاورانه / محتاط / صبور / بادقت / خستگی ناپذیر / مصمم / قابل اطمینان / وفادار / وفق پذیر و غیره.

I'm resolute, brave, reliable, meticulous, etc.

-سرسختی «-»: ترسو / بی ملاحظه / عجول / بی دقت / ضعیف / ناپایدار / غیر قابل اطمینان / بی وفا / لجباز و غیره.

I'm timid, weak, undependable, obstinate, etc.

-صداقت²⁷ «+»: راست گو / صادق / معتبر / صریح / موقعیت شناس و غیره.

It's true, honest, credible, authentic, etc.

-صداقت «-»: فریب آمیز / دروغ گو / اغفال / دستکاری شده / گمراه / دو رو و غیره.

It's deceitful, manipulative, lying, devious, etc.

-اخلاقیات²⁸ «+»: خوب / اخلاقی / منصفانه / حساس / مهربان / دلسوز / مراقب / بی ادعا / فروتن / مؤدب / محترم / بشردوستانه / بخشنده و غیره.

It's good, moral, fair, polite, etc.

-اخلاقیات «-»

²⁴ Normality

²⁵ Capacity

²⁶ Tenacity

²⁷ Veracity

²⁸ Propriety

صفات اخلاقیات «-»: بد / بی اخلاق / غیر منصفانه / بی عاطفه / ظالم / فاسد / تو خالی / خودبین / بی ادب / نامحترم / خودخواه / حریص و غیره.

قیدهای اخلاقیات «-»: باید / نباید

فعل های اخلاقیات «-»: توقع داشتن / انتظار داشتن و غیره.

It's bad, immoral, unfair, expected, etc.

۳-۳. قدردانی

قدردانی بیانگر احساساتی است که در قالب پیشنهادات در مورد ارزش گذاری ها موضوعات یا عملکردهای مختلف می باشد؛ اینکه چیزی ارزش دارد یا خیر و چگونه این ارزش گذاری ها بیان می شوند (Martin & White, 2005, p. 56). مارتین و وایت این دسته بندی را با سه مؤلفه معرفی کرده اند: ۱- عکس العمل^{۲۹} نسبت به موضوعی که توجه مان را جلب کرده و بیان کیفیت موضوعی که خوشمان آمده که در رابطه با فرایندهای عاطفی^{۳۰} هستند؛ ۲- ساخت^{۳۱} متعادل یا پیچیده که در رابطه با فرایندهای ادراکی^{۳۲} هستند؛ ۳- ارزش گذاری^{۳۳}، بیان نوع با ارزش بودن موضوعی که با فرایند شناختی^{۳۴} مرتبط می باشد.

هر فرایند متعلق به یک فرانش است؛ مؤلفه های عکس العمل، ساخت و ارزش گذاری به ترتیب به فرانش های متفاوتی شامل بینا فردی، متنی و اندیشگانی تعلق دارند. از آنجا که این پژوهش به بررسی فرایند عاطفی و فرانش بینا فردی پرداخته است، در بررسی های آن فقط به مؤلفه عکس العمل و زیرمؤلفه های آن که مارتین و وایت معرفی کرده اند برای تحلیل نیاز است. این مؤلفه با دو زیربخش: اثر گذاری، اینکه آیا چیزی که مدنظر است توجه مرا جلب کرده است؛ و کیفیت، چگونگی بیان چیزی که خوشمان آمده، ذکر شده اند. این موارد به شرح ذیل می باشد (Martin & White, 2005, p. 56):

- اثر گذاری^{۳۵}: جالب / جذاب / خوشایند / خیره کننده / هیجان انگیز / مؤثر / سرزنده / پر شور و غیره.

It's captivating, remarkable, notable, fascinating, etc.

- کیفیت^{۳۶}: خوب / دوست داشتنی / زیبا / باشکوه / مجذوب کننده / استقبال کردن / حمایت کردن و غیره.

It's good, lovely, enchanting, appealing, etc.

²⁹ Reaction

³⁰ Affection Processes

³¹ Composition

³² Perception Processes

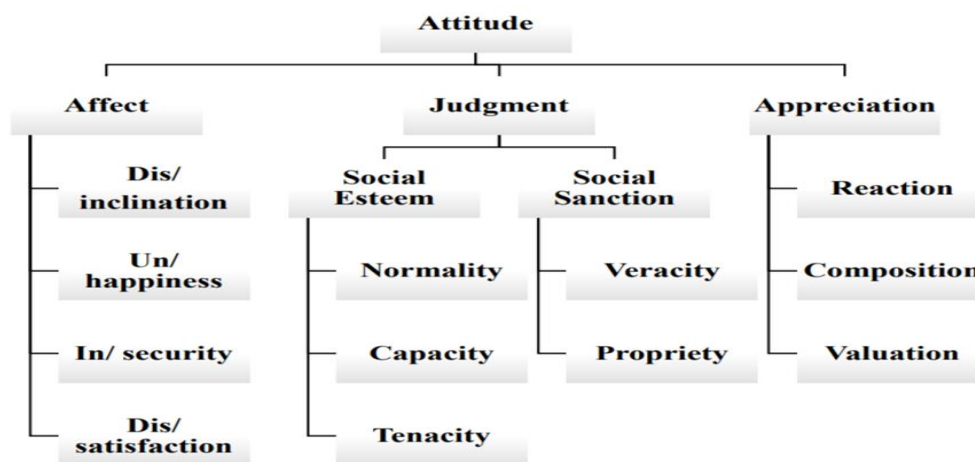
³³ Valuation

³⁴ Cognitive Process

³⁵ Impact

³⁶ Quality

دسته‌بندی دوم و سوم (قضاوت و قدردانی)، به‌نوعی احساسات درونی سازی شده دقیق‌تری از دسته‌بندی اولیه که مربوط به عواطف و واکنش‌های احساسی مستقیم هستند را بیان می‌کنند و هر دو از درون دسته‌بندی اول نشئت می‌گیرند (Martin & White, 2005, p. 45). مدل ارزیابی مارتین و وایت در دسته‌بندی نگرش در شکل ۱ ارائه شده است (Fadhil, 2021, p. 601).



شکل (۱). مدل ارزیابی مارتین و وایت در دسته‌بندی نگرش

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا برخی از جملات منتخب یک نماینده مخالف و یک نماینده موافق ارائه شده و سپس به تحلیل کلی سخنان آن فرد پرداخته شده است؛ در ادامه تعداد مقوله‌هایی که در هر سه دسته‌بندی یافته شده‌اند ارائه شده است. لازم به ذکر مجدد است که لزوماً فقط کلمات ملاک اصلی برای تشخیص دسته‌بندی نیستند و در برخی مواقع مفهوم کلی جملات محور اصلی تحلیل جملات می‌باشند که در این صورت زیر هیچ قسمتی از جمله خط کشیده نمی‌شود و مفهوم کل جمله اشاره به دسته‌بندی خاص خود دارد. در انتها جدولی ارائه شده است که تعداد کل مؤلفه‌های یافته شده در سخنان ۱۶ نماینده در هر دو جناح در آن درج شده است.

۴-۱ تحلیل سخنان مخالفان

مخالف اول:

- من از جناب آقای رئیسی رئیس جمهور محترم (قضاوت+) و عزیزمان (احساسات) تشکر می‌کنم (قدردانی)، به خاطر مطالب خوبی (قدردانی/ قضاوت+) که مطرح فرمودند.

- ببینید! ما امروز با یک معضلی مواجهیم که من اسم آن را مسئله دیوانی کشور گذاشته‌ام. ما یک بوروکراسی پنهانی داریم، شما با خیل عظیم کارمندان مواجه هستید که وقتی به‌عنوان رئیس جمهور رصد می‌کنید فقط بخشی از این‌ها را می‌توانید بشناسید (قضاوت-) و شناسنامه‌دار هستند، خیل نیروهای شرکتی، نیروهای قراردادی، نیروهای قانون‌کاری، نیروهای قرارداد کار و قس‌علی‌هذا؛ شما قرار است کشور را با همین دیوان سالاری اداره کنید. در کدام یک از برنامه‌های وزرای پیشنهادی شما راجع به این تدبیر شده است؟ (قضاوت-)

- آقای رئیس جمهور چه برنامه‌ای برای احیای محیط زیست کشور دارند؟ (قضاوت-)

تعداد مؤلفه‌های احساسات: ۱۶

تعداد مؤلفه‌های قضاوت «+»: ۱۵

تعداد مؤلفه‌های قضاوت «-»: ۳۶

تعداد مؤلفه‌های قدردانی: ۱۴

به عقیده گوینده مسائلی در کشور وجود دارند که از دید دولت و کابینه نادیده گرفته شده‌اند و برنامه خاصی برای حل آن‌ها یا حداقل کاهش آن‌ها اجرا نشده است؛ سخنگو عدم وجود برنامه در حوزه‌های مختلف را نقد کرده و زیر سؤال برده است که بر اساس آنچه پیش‌تر گفته شد، نقد کردن یکی از مقوله‌های دسته‌بندی قضاوت «-» در نظریه مورد نظر می‌باشد. بیشترین تعداد جملات این مخالف در سه دسته‌بندی مورد نظر، مربوط به دسته‌بندی قضاوت «-» قرار دارد؛ جملاتی که با دسته‌بندی قضاوت «+» بیان شده‌اند بیشتر برای تأکید بر معتبر بودن و توانا بودن اعضای کابینه می‌باشد. در کنار تأکید بر شایسته بودن و حمایت کردن از کابینه، در برخی از موارد توجه سخنگو به برنامه جلب شده است که با دسته‌بندی قدردانی بیان شده‌اند. جملات سخنان این مخالف که در دسته‌بندی احساسات هستند به دلیل وجود عباراتی مبنی بر توکل بر خدا، عبارات قرآنی، عبارات احساسی مثل ابراز علاقه‌مندی نسبت به وزیر پیشنهادی خاص یا رئیس دولت می‌باشد.

۴-۲ تحلیل سخنان موافقان

موافق اول:

- انتظار (احساسات / قضاوت-) از دولت جدید رفع دغدغه‌های مردم است (قضاوت-).

- مواردی را که در بیانات مخالف محترم داشتیم قطعاً دغدغه رئیس جمهور محترم و وزرای پیشنهادی است (قضاوت+ / قدردانی) به‌ویژه تنوع قراردادها (قضاوت+ / قدردانی) و نظام استخدامی و اداری (قضاوت+ / قدردانی)، نظام مالی و بانکی (قضاوت+ / قدردانی)، محیط زیست (قضاوت+ / قدردانی) و مسائل فراوزارتخانه‌ای (قضاوت+ / قدردانی) در برنامه‌های اعلام‌شده، مواضع و صحبت‌های رئیس جمهور محترم (قضاوت+) و وزرای پیشنهادی بوده است.

- بحمدالله (احساسات) وزرای بسیار باتجربه (قضاوت+/+ قدردانی) و باسابقه (قضاوت+/+ قدردانی) و باعلم (قضاوت+/+ قدردانی) و آگاهی (قضاوت+/+ قدردانی) در این مجموعه وجود دارند که مایه افتخار (احساسات) ایران اسلامی خواهند بود.

تعداد مؤلفه‌های احساسات: ۶

تعداد مؤلفه‌های قضاوت «+»: ۴۳

تعداد مؤلفه‌های قضاوت «-»: ۲۲

تعداد مؤلفه‌های قدردانی: ۳۹

سخنگو مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت «+» را برای نشان دادن توانایی کابینه در راستای اجرای برنامه‌هایشان به کار برده است و دسته‌بندی قدردانی را در حمایت از کابینه در سخنان خود دارد. به عبارتی دیگر این موافق، حمایت خود را در قالب اینکه چه مواردی مدنظر دولت و رئیس دولت می‌باشد، چه عواملی نشان‌دهنده جدیت کار دولت است و وزرای پیشنهادی دارای چه خصوصیتی هستند، نشان داده است. نکته قابل توجه مربوط به تعداد جملات در دسته‌بندی قضاوت «-» است. علی‌رغم آن که انتظار می‌رفت با توجه به اینکه غالباً جناح موافق مؤلفه‌هایی در این دسته‌بندی را بسیار اندک به کار می‌برد تا تأکید بیشتری بر موافقت خود داشته باشد و شنوندگان را با شانس بالاتری اقناع کند، این فرد موافق از تعداد جملات قابل توجهی که متعلق به این دسته‌بندی می‌باشند، استفاده کرده است؛ جملاتی که مرتبط با مطالبات مردم هستند و از دولت انتظار می‌رود که به آن‌ها رسیدگی کند و در انجام آن‌ها استمرار داشته باشد. قید احساسی «بحمدالله» در چندین جمله در راستای حمایت و اثبات صلاحیت کابینه به کار رفته است؛ فعل احساسی «انتظار داشتن» که یکی از مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت «-» نیز می‌باشد، در راستای نقد کابینه به کار رفته است.

جدول ۱: مخالفان و موافقان - تعداد کل مؤلفه‌ها در هر دسته‌بندی

مؤلفه	مخالفان(فراوانی)	مخالفان(درصد)	موافقان(فراوانی)	موافقان(درصد)	جمع موافق و مخالف	درصد از کل
احساسات	۹۰	۱۹٪	۷۶	۱۰٪	۱۶۶	۱۳٪
قضاوت(+)	۵۰	۱۱٪	۲۹۹	۳۹٪	۳۴۹	۲۸٪
قضاوت(-)	۲۹۳	۶۲٪	۸۵	۱۱٪	۳۷۸	۳۰٪
قدردانی	۴۲	۹٪	۳۰۶	۴۰٪	۳۴۸	۲۸٪
جمع کل	۴۷۵	۱۰۰٪	۷۶۶	۱۰۰٪	۱۲۴۱	۱۰۰٪

با توجه به نتایج جدول ۱، مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت «-» در بین مخالفان بیشترین کاربرد را داشته است که همان‌طور که اشاره شد، این افراد برای نقد کابینه آن را به کار برده‌اند. از طرفی دیگر، در میان موافقان مؤلفه‌های دسته‌بندی قدردانی و قضاوت «+» بیشترین استفاده را داشته است. مؤلفه‌های دسته‌بندی احساسات نیز در هر دو گروه به شکل‌های متفاوتی مشاهده

شد که در بخش نتیجه‌گیری به شرح و مقایسه هر سه دسته‌بندی با توجه به جدول مخالفان و موافقان پرداخته شده است تا در نهایت، تفاوت‌هایی که در میزان کاربرد هر یک از دسته‌بندی‌ها وجود داشته نمایان شود.

۵. پایایی بین ارزیاب‌ها

به‌منظور سنجش اعتبار تحلیل‌ها در این پژوهش، از ضریب پایایی کاپای کوهن^{۳۷}، با بهره‌گیری از نرم افزار اسپاس^{۳۸} نسخه ۲۷ استفاده شد که به‌عنوان یکی از بهترین معیارهای آماری، از قابلیت ارزیابی اعتبار تحلیل‌های کیفی برخوردار است. در این راستا، جهت بررسی توافق میان ارزیابان، ۱۰ درصد از مؤلفه‌های این پژوهش توسط دو ارزیاب مستقل که یکی نویسنده‌ی دوم مقاله‌ی حاضر و دیگری پژوهشگر متخصص زبان‌شناسی بودند، به‌صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج ضریب پایایی کاپای کوهن برای بررسی توافق بین ارزیابان

مقدار	خطای استاندارد مجانبی	مقدار T تقریبی	معناداری
۰/۹۲۰	۰/۰۲۲	۲۲/۸۱۰	۰ < ۰۰۱
			ضریب توافق کاپا
			تعداد
			۲۰۱

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۲، ضریب پایایی کاپای کوهن برای توافق بین ارزیابان، ۰/۹۲ می‌باشد که از نظر آماری معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$). این مقدار نشان می‌دهد میزان توافق بین ارزیابان و در نتیجه، اعتبار تحلیل‌ها در سطح بالا قرار دارد.

۶. نتایج

همان‌طور که در جدول ۱ اشاره شد، در هر دسته‌بندی احساسات، قضاوت «+»، قضاوت «-» و قدردانی، اکثر نمایندگان از تمام این سه دسته‌بندی استفاده کرده‌اند. در گروه مخالفان دسته‌بندی قضاوت «-» بیشترین کاربرد را داشته و در گروه موافقان دسته‌بندی قدردانی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. نکته قابل توجه در یافته‌های پژوهش مربوط به دسته‌بندی احساسات در هر دو گروه و قضاوت «-» در گروه موافقان می‌باشد. با وجود پیش‌بینی که قبل از تحلیل وجود داشت، یعنی بالا بودن دسته‌بندی قضاوت «-» در گروه مخالفان و دسته‌بندی قدردانی در گروه موافقان، دسته‌بندی احساسات در هر گروه

³⁷ Cohen's Kappa Index

³⁸ SPSS

به شکل قابل توجهی وجود دارد. این یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی بروز احساسات زیاد در هر دو جناح است؛ در حالی که هر دو جناح موظف هستند تا با کلامی منطقی و آوردن دلایل کافی برای جانب‌داری از جناح خود در مدت زمانی که به آن‌ها داده شده صحبت کنند، بنابراین انتظار می‌رفت که تعداد مؤلفه‌های خیلی کمتری در این دسته‌بندی مشاهده شود.

نکته دیگر در این زمینه مربوط به گروه مخالف کابینه است که مؤلفه‌های استخراج‌شده از سخنان‌شان در این دسته‌بندی بیشتر از مؤلفه‌های گروه موافقان می‌باشد که با توجه به تعلق داشتن آنان به گروه مخالف، قرارگیری این تعداد مؤلفه از سخنان‌شان در این دسته‌بندی غافلگیرکننده بود. بروز کلمات احساسی در راستای دفاع و تحسین از کابینه در گروه موافقان روشی است که بسیار تکرار شده است؛ موافقان برای اثبات صلاحیت برخی از وزرا به تعریف و تمجید پرداخته‌اند تا موافقت خود را نشان دهند. این در حالی است که بیشتر مؤلفه‌های احساسی در گروه افراد مخالف برای نقد کابینه به کار رفته‌اند. علت وجود تعداد بالاتر مؤلفه‌های احساسات در سخنان مخالفان نسبت به سخنان موافقان را می‌توان بدین صورت تبیین نمود که بیان مخالفت انرژی بیشتری نسبت به بیان موافقت دارد و مخالفان به دنبال آن بودند که از شدت مخالفت کم کنند.

در هر دو گروه اغلب تمام دسته‌بندی‌ها وجود داشت و نمایندگان با بیان نکات مثبت و منفی در مورد کابینه سعی در نشان دادن این مسئله داشتند که موافق یا مخالف مطلق نیستند. بر اساس یافته‌ها، فقط در سخنان مخالف ششم مؤلفه‌های قضاوت «+» و قدردانی و در سخنان موافق هشتم مؤلفه‌های قضاوت «-» وجود نداشت. این نتایج نشان می‌دهد که نقد کابینه با نرخ بسیار بالایی در جناح مخالف دیده شده که شامل مواردی از جمله زیر سؤال بردن برنامه‌هایی بود که در کابینه به نوعی اجرایی نیستند، یا مشکلاتی که در برنامه کابینه مطرح شده‌اند اما راه‌حل خاصی برای آن‌ها یا بیان نشده و یا کمتر به آن پرداخته شده است. همچنین، عدم به‌کارگیری زنان، جامعه اهل سنت، عدم به‌کارگیری افراد مجرب در دیگر احزاب و یا افراد متخصص و لایق دولت پیشین، عدم ارائه برنامه مدون و فکر شده در رابطه با مشکلات استان‌های محروم از دیگر نقدهای پررنگ این جناح بود.

تعداد مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت (+/-) در هر دو گروه، بسیار متفاوت است و این مسئله عیناً برای تعداد دسته‌بندی قدردانی نیز صدق می‌کند. بدین معنا که در گروه موافق همان‌طور که انتظار می‌رفت، تعریف و حمایت بیشتری از کابینه و برنامه‌های آن صورت گرفت و افراد با استفاده از عبارات و مؤلفه‌هایی که در بخش چارچوب نظری به آن‌ها اشاره شد، به تحسین و جانب‌داری کابینه و وزرای پیشنهادی پرداختند. این در حالی است که در گروه مخالف، با توجه به موضعی که دارند و وظیفه آن‌ها که بیان نقد و مخالفت خود در قالب زبان منطقی می‌باشد، دسته‌بندی قدردانی کمتر دیده می‌شد. بنابراین، مؤلفه‌های دسته‌بندی قضاوت «-»، احساسات، قضاوت «+» و قدردانی به ترتیب در گروه مخالفان بیشترین کاربرد را داشتند و مؤلفه‌های دسته‌بندی قدردانی، قضاوت «+»، قضاوت «-» و احساسات به ترتیب در گروه موافق بیشترین کاربرد را داشتند.

در مجموع، در سخنان مخالفان، مؤلفه‌های قضاوت «-» ۲۹۳ مرتبه، مؤلفه‌های احساسات ۹۰ مرتبه، مؤلفه‌های قضاوت «+» ۵۰ مرتبه و مؤلفه‌های قدردانی ۴۲ مرتبه به ترتیب تکرار و پیدا شده‌اند. در سخنان موافقان مؤلفه‌های قدردانی «+» ۳۰۶ مرتبه، مؤلفه‌های قضاوت «+» ۲۹۹ مرتبه، مؤلفه‌های قضاوت «-» ۸۵ مرتبه، مؤلفه‌های احساسات ۷۶ مرتبه به ترتیب تکرار شده‌اند. ۱۹ درصد از مؤلفه‌های مورد استفاده مخالفان بیانگر احساسات، ۱۱ درصد بیانگر مؤلفه‌های قضاوت «+»، ۶۲ درصد مؤلفه‌های قضاوت منفی و ۹ درصد بیانگر مؤلفه‌های قدردانی بوده است. ۱۰ درصد از مؤلفه‌های مورد استفاده موافقان بیانگر احساسات، ۳۹ درصد بیانگر مؤلفه‌های قضاوت «+»، ۱۱ درصد بیانگر مؤلفه‌های قضاوت «-» و ۴۰ درصد بیانگر مؤلفه‌های قدردانی بوده است.

به‌طور کلی در هر دو جناح، به مؤلفه‌های قضاوت «-» (۳۰٪)، مؤلفه‌های قضاوت «+» و قدردانی (۲۸٪) و (۱۳٪) مؤلفه‌های احساسات به ترتیب پرداخته شده است. بنابراین مؤلفه‌های احساسات کمترین تکرار و مؤلفه‌های قضاوت «-» بیشترین تکرار را در هر دو جناح داشته‌اند. این موضوع بیانگر این امر می‌باشد که هر دو جناح، حتی جناح موافق، به نقد از کابینه پرداخته‌اند و سخنان آنان تنها به تمجید از کابینه اختصاص ندارد. همچنین، با توجه به وجود مؤلفه‌های احساسات در هر دو جناح می‌توان به این نتیجه رسید که جناح مخالف استراتژی‌های احساسی را در سخنان خود به کار برده‌اند و به‌طور مطلق از زبان منطقی برای اقناع‌سازی^{۳۹} دیگران استفاده نکرده‌اند. در مقاله‌ای گنارو و اش (Gennaro & Ash, 2022) به تحلیل احساسات و منطقی در زبان نمایندگان کنگره آمریکا پرداخته‌اند و با بررسی واژگان احساسی و منطقی، روش‌های اقناع‌سازی ده سال اخیر کنگره را مورد سنجش قرار دادند. نتایج آنان نشان داد که احساسات در سال‌های اولیه نسبتاً پایدار بوده اما از دهه ۱۹۷۰ این مؤلفه افزایش قابل توجهی داشته است. همچنین نویسندگان مقوله‌هایی را که در این دسته‌بندی در هر دو حزب وجود داشته‌اند، در انتهای پژوهش آورده تا بر اساس آن‌ها نتیجه‌گیری کنند. این نویسندگان در نهایت به نتایجی دست یافتند که عبارت است از: ۱- بیان احساسات در طول زمان در کنگره افزایش یافته است؛ ۲- بیان احساسات برای اقلیت‌های سیاسی در کنگره بالاتر است: به‌گونه‌ای که تعلق به گروه‌های زنان، اسپانیایی‌ها، سیاه پوستان، یهودیان و کاتولیک‌ها، بودن در حزب اقلیت و در نتیجه داشتن قدرت کمتر در سیاست، کاربرد زبان احساسی را افزایش می‌دهد؛ ۳- در نتایج به دست آمده شواهدی مبنی بر اینکه احساسات به‌عنوان پاسخی برای تعارض هستند ارائه شده است. به‌طور مثال نابرابری در آمد، بیان احساسات را افزایش داده و نشان دهنده تضاد طبقاتی است.

در پژوهش حاضر نیز دو مقوله احساسات و زبان منطقی (قضاوت) (+/-) نقش قابل توجهی در تحلیل داده‌ها داشته‌اند؛ به طوری که یک سری از مقولات در دسته‌بندی مد نظر، در گروه مخالف و موافق نوسان داشته و یکسان نبوده است که از طریق همین تفاوت‌ها بررسی و تفسیر نتایج به دست آمده حاصل شده است.

³⁹ Rhetoric

۶-۱. نتایج جانبی

هر دو گروه با یادآوری از عملکرد و برنامه‌های ضعیف دولت پیشین در موضوعات مختلف، آن‌ها را مسبب مشکلات و ایراداتی دانستند که تا مدت زیادی قابل حل نبوده و برای جبران آن مشکلات باید زمان بیشتری صرف شود. در واقع، هر دو گروه با مقصر جلوه دادن دولت پیشین به نوعی سعی در جانب‌داری از کابینه و برنامه‌هایی داشتند که با وجود شروع کار کابینه از دو ماه قبل، هنوز اعمال نشده بودند. یافته مهم‌تر مربوط به سخنان برخی از نمایندگان بود که فقط در مورد مشکلات استانی خود صحبت می‌کردند؛ در حالی که سخنگوی مجلس بارها از آن‌ها خواست تا مشکلات را در سطح ملی مطرح نمایند و به استان خاصی بسنده نکنند. در هر صورت، وجود این مسئله در هر دو گروه، در نقد و تحسین کابینه تأثیر به‌سزایی داشته است. در بیشتر مواقع نماینده‌ای که در مورد مشکلات استان خود صحبت می‌کرد، از کابینه یا رئیس دولت می‌خواست تا مشکلات استان وی را در اولویت قرار دهد. اگر تدبیری در خصوص مشکلات آن شهر در برنامه کابینه وجود نداشت یا به‌طور کافی به آن مشکلات پرداخته نشده بود، مستقیماً به این عدم وجود برنامه اشاره می‌نمود یا با افعالی دستوری از کابینه می‌خواست تا پیگیر مشکلاتی که مطرح کرده و به آن‌ها توجهی نشده باشند و به‌طور جدی به آن بپردازد. بنابراین این نکته می‌تواند نقش به‌سزایی در تحت تأثیر قرار دادن یافته‌ها داشته باشد.

فهرست منابع

پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ و اصطهباناتی، لیدا. (۱۳۸۷). بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۵۱ (۲۰۸)، ۲۴-۱.

<https://sid.ir/paper/146169/en>

کلاتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ سعادت‌ی، موسی؛ پور محمدی، رعنا؛ و محمدپور، نیر. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۴)، ۲۸-۷.

<https://civilica.com/doc/1738544>

Chen, X., & Hu, J. (2019). Evolution of US presidential discourse over 230 years: A psycholinguistic perspective. *International journal of English linguistics*, 9(4), 28-41. <https://doi.org/10.5539/ijel.v9n4p28>.

Fadhil, Z. A. (2021). Emotive language in political discourse: A linguistic study. *Multicultural education*, 7(10), 599-608. <https://doi:10.5281/zenodo.5590065>

Gennaro, G., & Ash, E. (2022). Emotion and reason in political language. *The economic journal*, 132(643), 1037-1059. <https://doi.org/10.1093/ej/ueab104>.

Green, M. (2016). Speech acts: An annotated bibliography. To appear in the Oxford research encyclopedia of linguistics URL: https://www.academia.edu/7841094/Speech_Acts_Annotated_Bibliography_from_Oxford.

Lin, C. W. (2011). The study of political language: A brief overview of recent research. *CHIA-NAN annual bulletin*, (37), 471-485. <https://ir.cnu.edu.tw/handle/310902800/25413>.

Macagno, F., & Walton, D. (2019). Emotive meaning in political argumentation. *Informal logic*, 39(3), 229-261. <http://dx.doi.org/10.1108/JHASS-01-2020-0019>.

Mahmood, K. S. (2017). A stylistic analysis of adjectives in selected political and religious speeches. *AL-ADAB journal*, (122). <https://doi.org/10.31973/aj.v1i122.232>.

Martin, J. R., & White, P. R. R. (2005). The language of evaluation appraisal in English. London: Palgrave Macmillan.

Mazlum, F., & Afshin, S. (2016). Evaluative language in political speeches: A case study of Iranian and American presidents' speeches. *International journal of linguistics*, 8(4), 166-183. <https://doi:10.5296/ijl.v8i4.9398>.

Polyakova, L. S., Yuzhakova, Y. V., Zalavina, T. Y., & Dyorina, N. V. (2020). Linguistic manipulation means in English political discourse. *Amazonia investiga*, 9(33), 27-36. <https://doi.org/10.34069/AI/2020.31.07.1>.

Pu, C. (2007). Discourse analysis of president Bush's speech at Tsinghua university, China. *Intercultural communication studies*, 16(1), 205-216. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=ca386b579c4cc9154e77f68b7e4ea9b4f3eac9d1>.

Thompson, G., & Hunston, S. (2000). *Evaluation: An introduction*. In: S. Hunston and G. Thompson (eds) *Evaluation in text*. Oxford: Oxford university press. <http://dx.doi.org/10.1093/oso/9780198238546.001.0001>.

Trnavac, R., Pöldvere, N. Investigating Appraisal and the Language of Evaluation in Fake News Corpora. *Corpus Pragmatics* 8, 107–130 (2024). <https://doi.org/10.1007/s41701-023-00162-x>.

Van Dijk, T. A. (1997). What is political discourse analysis. *Belgian journal of linguistics*, 11(1), 11-52. <https://doi.org/10.1075/bjl.11.03dij>.

A Discursive Evaluation of “Emotive Attitudes of the Opposed and Agreed Members of Parliament” in the Meeting of Introducing the Proposed Ministers of the Thirteenth Cabinet of Iran

Azam Estaji¹
Fatemeh Hamidi²
Shahla Sharifi³

Received: 2024/04/24

Accepted: 2024/07/02

1. Introduction

The analysis of political discourses and their interpretation is one of the topics that is studied in pragmatics from different aspects. Writers and researchers in this field have explored and interpreted texts or audio versions of speeches by considering different theories. Also, many researches have been done in political discourse analysis to develop previous theories and create a different context for other writers in order to pursue further studies. In the current research, one of the discourse theories developed by Martin and White (Martin & White, 2005), which is related to language evaluation, has been used in order to examine the emotional language of parliamentarians as well as the extent of each category in this theory that is used by them. In other words, this research aims to evaluate the emotional language of parliamentarians about the proposed ministers of the 13th cabinet, and their attitude towards the opposition or supporting side they consider. Since choosing the ministers of any country has a vital impact on the conditions of that country, by examining the type of linguistic reaction of the opponents and supporters to the proposed ministers of the 13th government, the differences in the type of speech of both groups have been discussed based on the theoretical framework. The main purpose of this study is to examine the point that to what extent the emotional language is used to select the cabinet ministers and to agree and disagree with them, and what is the difference between the opponents and the supporters according to the components proposed by Martin and White.

2. Materials and methods

The current research is conducted in a practical and descriptive-analytical method. The theoretical framework of the research is based on the evaluation theory of Martin and White (Martin & White, 2005) and the categories that are introduced in the attitude section, which introduces emotions in three levels. In 2005, Martin and White divided the components of this theory into three main categories: affects, judgments, and appreciation (Martin & White, 2005). Among the types of affects we can mention paralinguistic emotions, which are shown by

¹ Linguistics Department, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, estagi@um.ac.ir

² Linguistics Department, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, hasti.hamidi@alumni.um.ac.ir

³ Linguistics Department, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, sh-sharifi@um.ac.ir

behavior or action, such as crying, feeling discomfort or dissatisfaction. Also, emotions that show the intensity and degree (low, medium, high) of interest towards something; like loving something, being in love with something and appreciating something. Finally, feelings that express unreality or are about the future; statements like wanting and asking for something that was expected but did not happen. In general, any emotional feeling that is created in the audience belongs to this category.

Affect–Irrealis (dis/inclination: fear, desire), affect– un/happiness (misery, cheer), affect–in/security (disquiet, surprise, confidence, trust), affect–dis/satisfaction (ennui, displeasure, interest, pleasure).

Judgment is related to attitudes towards a behavior that is either praised or criticized. The supporters and opponents of the new cabinet have criticized the performance or plans of the new cabinet in some cases. This structure has the widest sub-category in this theory that each sub-category is used in two positive and negative components to evaluate people's performance. The positive component is related to morals and laws that have been observed from the speaker's point of view, and the negative component is related to morals and laws that have not been observed from the speaker's point of view and are criticized. Judging of how something or someone is special or normal (normality), how capable they are (capacity), how dependable they are (tenacity), how honest they are (veracity [truth]), and how ethical they are (propriety).

Appreciation is about evaluation of things, and how values are expressed. Martin and White have introduced this category with three components: Reaction (impact, did it grab me?/ quality, did I like it?), composition (balance, did it hang together?/ complexity, was it hard to follow?), and valuation (was it worthwhile?). The components of composition and valuation belong to textual and intellectual metafunctions, while reaction component belongs to interpersonal metafunction. Since this research has investigated the emotional process and interpersonal metafunction, only the reaction component and its sub-components, which are introduced by Martin and White, are needed for the analysis.

Interpersonal Metafunction is related to the relationship between the speaker and the listener. This metafunction shows a component through which the speakers consider themselves in the context of the situation in order to express their attitudes and judgments and to seek to influence the attitudes and behaviors of others. In addition to investigating of how the emotional language of opponent and supporter parliamentarians appeared in the meeting of the proposed ministers of the 13th cabinet of Iran, this research also aims to look at the differences in attitudes of both groups based on this theory.

The proposed components introduced in each category were examined in the speeches of opponent and supporter representatives. The research data is extracted from the parliament website includes the written text of the 120th session of the parliament in the morning session on Saturday, 2021 August 21, which was officially started with the presence of 223 people. After identifying all three categories of Martin and White's evaluation theory in all the sentences, the data collection has been analyzed. Finally, the total number of sentences of each representative in each category is given. The sample population of the research includes the speeches of opponent

and supporter representatives of the parliament in the introduction meeting of the ministers of the 13th cabinet. The representatives, eight of whom are supporters and the other half who are opponents, had 10 minutes each, a total of 150 minutes, and some had spoken in less time to give a few other like-minded representatives the opportunity to express their opinions; generally, 16 representatives (eight opposed and eight supporting) had the opportunity to express their opinion relevant to the new government.

After checking the exact number of participants, in one phase we have analyzed all the words of the eight opponent representatives and in the next phase we have analyzed all the words of the eight supporter representatives. Then, we have done the total counting and analysis of each category introduced in both groups separately, and we have done a comparative study of the evaluation between supporters and opponents. In the data analysis section of each representative's speech, only three sentences are given as examples in each category.

3. Results and discussion

The results of this study showed that the number of components used in the speeches of the opponents was 90 components of affects, 50 components of judgment «+», 293 components of Judgment «-», and 42 components of Appreciation. Also, the speech of the supporting side had 76 components of Affect, 299 components of Judgment «+», 85 components of Judgment «-» and 306 components of Appreciation. The results showed that the components of the Judgment category «-» were being used the most on the opposing side and the components of the Appreciation and Judgment «+» category were being used the most on the supporting side. Therefore, the components of Affect have the least repetition and the components of Judgment «-» have the most repetition between both parties' speech. Generally, it can be concluded that even in the words of those who want to persuade the audience with a logical expression, affects are also shown.

4. Conclusion

In this research, both opponent and supporting sides recalled the previous government's poor performance and plans in various issues, and blamed them to be the cause of problems and defects that could not be solved for a long time and more time should be spent to compensate for those problems. In fact, by blaming the previous government, both groups tried to favor the 13th cabinet and their plans that had not been implemented yet despite the fact that the cabinet started working two months earlier. Also, if there was no solution for the problems of a representative's hometown in the cabinet's plans or those problems were not sufficiently addressed, that representative would directly point to the lack of a plan or use imperative verbs to inform the cabinet to follow up on the problems they mentioned and take them seriously. Therefore, this point can play a significant role in influencing the results.

Key words: Discourse analysis, Political discourse, Emotive language, Opposed and agreed members of parliament, Appraisal theory of Martin and White

References:

Pahlavannezhad, M., & Estahbanati, L., (2010). Speech acts analysis on discourse of president of Iran and USA: Shahrivar 1385 in UN. *Research on foreign languages* 51(208), 1-24. SID.

<https://sid.ir/paper/146169/en>

Kalantari, S., Abbaszadeh, M., Sadati, M., Pour Mohammad, R., & Mohammad Pour, N. (2009). Discourse analysis: With the emphasis on critical discourse as a method of qualitative research.

Journal of sociology studies, 1(4), 7-28. SID. <https://sid.ir/paper/222571/en>

Chen, X., & Hu, J. (2019). Evolution of US presidential discourse over 230 years: A psycholinguistic perspective. *International journal of English linguistics*, 9(4), 28-41.

<https://doi.org/10.5539/ijel.v9n4p28>.

Fadhil, Z. A. (2021). Emotive language in political discourse: A linguistic study. *Multicultural education*, 7(10), 599-608. <https://doi:10.5281/zenodo.5590065>.

Gennaro, G., & Ash, E. (2022). Emotion and reason in political language. *The economic journal*, 132(643), 1037-1059. <https://doi.org/10.1093/ej/ueab104>.

Green, M. (2016). Speech acts: An annotated bibliography. To appear in the Oxford research encyclopedia of linguistics URL:

https://www.academia.edu/7841094/Speech_Acts_Annotated_Bibliography_from_Oxford.

Lin, C. W. (2011). The study of political language: A brief overview of recent research. *CHIANAN annual bulletin*, (37), 471-485. <https://ir.cnu.edu.tw/handle/310902800/25413>.

Macagno, F., & Walton, D. (2019). Emotive meaning in political argumentation. *Informal logic*, 39(3), 229-261. <http://dx.doi.org/10.1108/JHASS-01-2020-0019>.

Mahmood, K. S. (2017). A stylistic analysis of adjectives in selected political and religious speeches. *AL-ADAB journal*, (122). <https://doi.org/10.31973/aj.v1i122.232>.

Martin, J. R., & White, P. R. R. (2005). *The language of evaluation appraisal in English*. London: Palgrave Macmillan.

Mazlum, F., & Afshin, S. (2016). Evaluative language in political speeches: A case study of Iranian and American presidents' speeches. *International journal of linguistics*, 8(4), 166-183.

<https://doi:10.5296/ijl.v8i4.9398>.

Polyakova, L. S., Yuzhakova, Y. V., Zalavina, T. Y., & Dyorina, N. V. (2020). Linguistic manipulation means in English political discourse. *Amazonia investiga*, 9(33), 27-36. <https://doi.org/10.34069/AI/2020.31.07.1>.

Pu, C. (2007). Discourse analysis of president Bush's speech at Tsinghua university, China. *Intercultural communication studies*, 16(1), 205-216. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=ca386b579c4cc9154e77f68b7edea9b4f3eac9d1>

Thompson, G., & Hunston, S. (2000). *Evaluation: An introduction*. In: S. Hunston and G. Thompson (eds) *Evaluation in text*. Oxford: Oxford university press. <http://dx.doi.org/10.1093/oso/9780198238546.001.0001>

Trnavac, R., Pöldvere, N. Investigating Appraisal and the Language of Evaluation in Fake News Corpora. *Corpus Pragmatics* 8, 107–130 (2024). <https://doi.org/10.1007/s41701-023-00162-x>

Van Dijk, T. A. (1997). What is political discourse analysis. *Belgian journal of linguistics*, 11(1), 11-52. <https://doi.org/10.1075/bjl.11.03dij>